

■ سمیه دهقان زاده

سعید فخرزاده پژوهشگر و نویسنده کتاب «رضای انقلاب» گفت: من با این فکر که اگر می‌خواهیم الگو و یکی از دستاوردهای فرهنگی را به جامعه معرفی کنیم، آن الگو می‌تواند یک امام جماعت مطلوب باشد، حاج آقا رضا مطلبی را انتخاب کردم، چرا که ایشان در طول نیم قرن خدمت در قالب مسجد، تحولاتی را در منطقه رقم زدند که شاید کم‌نظیر باشد.

«رضای انقلاب»، کتابی از خاطرات حجت‌الاسلام والمسلمین رضا مطلبی به نویسنده‌گی سعید فخرزاده است که به تازگی در انتشارات سورره مهر به چاپ رسیده است. این کتاب به زندگی و شرح حال یکی از دلباختگان فکری امام خمینی(ره)، روحانی فاضل و مردمی، حجت‌الاسلام والمسلمین حاج شیخ رضا مطلبی می‌پردازد که نقش مؤثری در انقلاب اسلامی داشته است. او روحانی اهل اصفهان است که قبل از انقلاب در محله‌ای آذری نشین، امام جماعت مسجد فلاح تهران می‌شود و با فعالیت‌های او مسجد ابوذر خیلی زود به پایگاه طرفداران انقلاب و انقلاب تبدیل می‌شود و پس از پیروزی انقلاب نقش مهمی را در انسجام نیروها و حفظ نشاط سیاسی در جنوب غرب تهران و حمایت از نظام در عرصه‌های مختلف ایفا می‌کند. به همین بهانه با حجت‌الاسلام سعید فخرزاده، پژوهشگر تاریخ شفاهی و مدیر دفتر ثبت و تدوین دستاوردهای انقلاب اسلامی به گفت‌وگو نشستیم که مشروح آن در ادامه می‌آید.

■ ■ ■
چرا سراغ نقش امام جماعت برای نوشتن یک کتاب رفتید؟

برای من جالب بود که ما در قشرهای مختلف از هنرمندان و دانشمندان علوم هسته‌ای گرفته تا ورزش، سرآمدها را معرفی کردیم، اما تا به حال فکر نکردیم در حوزه‌ای مثل مسجد که اتفاقاً یک نهاد بسیار مهم مردمی است، الگو معرفی کنیم.

نهادی که اگر به گذشته آن نگاه کنیم، از پایگاه‌های اصلی جریان انقلاب بوده و خدمات فرهنگی اجتماعی بسیاری به جامعه داده است. حال اگر بپذیریم که مساجد به این میزان در جامعه نقش دارند، در رأس آن روحانیونی هستند که این مساجد را اداره می‌کنند. پس من به این فکر کردم که ما اگر می‌خواهیم الگو و یکی از دستاوردهای فرهنگی را به جامعه معرفی کنیم می‌تواند یک امام جماعت مطلوب باشد که او را همه جهات معرفی کنیم. من برای این کار، حاج آقا رضا مطلبی را انتخاب کردم، چرا که ایشان در قالب مسجد تحولاتی را در منطقه رقم زده که شاید کم‌نظیر باشد.

حاج آقا مطلبی، نزدیک به نیم قرن امام جماعت مسجد فلاح (که بعدها به مسجد ابوذر تغییر نام داد) بودند. ایشان اصفهانی هستند و آن زمان اصلاً زبان ترکی بلد نبودند. در چنین شرایطی به محله فلاح تهران که آذری‌نشین بود، وارد شدند، آن زمان بیشتر افراد محله ترکی حرف می‌زدند و کمتر کسی فارسی بلد بود. ضمناً در آن بازه زمانی آنجا، منطقه‌ای محروم بود، می‌شد.

حال ماجرای اینکه حاج آقای مطلبی با این شرایط، چطور امام جماعتی منطقه فلاح را قبول می‌کند هم جالب است. در آن زمان آقایی به نام فلاح منطقه را آباد کرده بود. او نظمی بود و حتی بعدها در نظام پهلوی نماینده مجلس شد و به صورت کلی شخصیت شاخصی در آن دوران داشت.

آقای فلاح تصمیم می‌گیرد مسجدی بسازد و بر اساس همین تصمیم، مسجد فلاح ساخته می‌شود. بعد از آن آقای فلاح به دنبال امام جماعت می‌گردد که راهنماها حاج آقای مطلبی را به او معرفی می‌کنند و آقای مطلبی به امام جماعتی این مسجد انتخاب می‌شوند.

■ **به نظر می‌رسد که نیاید موفق شود، اما شد چه چیز این امام جماعت و این مسجد را برای مخاطب، خاصی کند؟**

آقای مطلبی در روایت‌هایشان نقل می‌کند که ۳۷ ساله بود که احساس می‌کند در حوزه ترویج انقلاب باید در یک مسجد فعالیت کند. در همان مقطع امام جماعتی مسجد فلاح به او پیشنهاد می‌شود. آن هم در شرایطی که آقای فلاح -بانی مسجد- از تباطؤ نزدیکی با حکومت پهلوی دارد و در مقابل آقای مطلبی، عالم، به فعالیت‌ها، عالی، مبارز و با یاران امام(ره) است و فعالیت‌های تبلیغی نیز انجام می‌دهد.

فرهنگی

سرویس فرهنگی ۶۰۶۰۸۵۲۳۳



روایت خدمات یک امام جماعت در گفت‌وگو با نویسنده کتاب «رضای انقلاب»

می‌گفت رضای انقلاب رضای خداست

آزادی مسیر شماره یک راهیمیایی بوده است، اما بعدها

به خاطر اهمیت میدان امام حسین(ع)، به مسیر شماره دو و سه تغییر می‌کند.

■ **نیامده بود فقط نماز جماعتی بخواند و برود**

پس جایگاه حاج آقا مطلبی به عنوان یک امام جماعت وقتی به یک محله وارد شده و اینتکه چگونه با مردم منطقه از تباطؤ برقرار کرده بسیار مهم است. ایشان اولین کاری که انجام می‌دهد تأسیس یک کتابخانه در مسجد است. این کتابخانه بعدها پر از کتاب‌های انقلابی شده و این ماجرا جریان ساز می‌شود.

بعد از کتابخانه، آقای مطلبی شروع به انجام خدمات فرهنگی و اجتماعی می‌کند.ایشان در تحولات توسعه‌های منطقه هم نقش داشتند. حتی راهاندازی و توسعه بیمارستان ضیائیان هم مدیون پیگیری‌های ایشان از مسئولان ذریبط وزارت بهداشت آن زمان است.

ایشان همه اینها را به پشتوانه رابطه‌ای که با مردم و کسبه و صنف‌های مختلف داشته و مراقبت‌هایی که انجام می‌دهد به دست می‌آورد، صرفاً این‌طور نیست که خود را امام جماعتی ببیند که آمده نماز جماعتی در مسجد بخواند و برود، بلکه با مردم ارتباط برقرار می‌کند، می‌دانستند که حاج آقای مطلبی در خیلی از مراسم‌های زندگی‌شان حضور دارد، بنابراین احساس عاطفی شدیدی بین مردم قدیمی اِسودر و حاج آقا مطلبی برقرار می‌شود.

به ویژه اینکه خلاف رویه آن زمان که جوان‌ها عموماً با رفتارهایی از مسجد دفع می‌شدند، ایشان به جوان‌ها بها می‌دهد و این امر علاقه و شور و حضور در مسجد را دو چندان می‌کند.

■ **این مسجد فلاحی‌ها**

از ویژگی‌های مهم حاج آقا است که مسجد اولویت اولشان است، به ندرت پیش آمده طی این سال‌ها امام جماعتی این مسجد را ترک کرده باشد، تا جایی که وقتی حاج آقا مطلبی قائم‌مقام سازمان تبلیغات می‌شود، آقای جنتی که رئیس وقت این سازمان بودند، در جلسات بارها می‌گویند مسجد، برای آقای مطلبی اولویت اول است ما هر وقت جلسه داریم ایشان می‌گویند، جلسه به ساعت نماز جماعت مسجد نخورد، چون من باید یک ساعت قبل از آنان در مسجد باشم و این نشان دهنده میزان اهمیت و تعهد ایشان به پایگاه مردمی مسجد است.

نکته جذاب دیگر در شخصیت حاج آقا مطلبی این

است که ایشان از ۵۰سال قبل تا الان که ۹۰سال سن دارد، سطح زندگی ساده و بی‌الایشش را حفظ کرده و می‌گوید من باید کنار این مردم باشم. حاج آقا مطلبی هنوز که هنوز است از مسجد تا خانه پیاده می‌رود و با مردم ارتباط می‌گیرد، مردم محله هم او را دوست دارند. او عمرش راوقف مراقبت‌های اخلاقی و دینی محله کرده است و این باعث ایجاد یک رابطه عمیق بین ساکنان قدیمی منطقه فلاح با آقای مطلبی شده است و حتی بسیاری از افرادی که از این محله رفتند هنوز ارتباطشان را با این مسجد حفظ کردند، در مراسم‌های خاص آن شرکت می‌کنند، به این مسجد عرق دارند و خودشان را مسجد ابوذری می‌دانند.

تعداد شهدا، برقراری حوزه علمیه، پایگاه بسیج فعال و

به صورت کلی مجموعه فرهنگی در وهله اول و خدماتی در وهله بعدی از دغدغه این روحانی است.

■ **احتمال ساخت مستند «رضای انقلاب»**

■ **شما تا اینجا می‌گفت‌وگو در مورد تأثیر گذاری حاج آقا مطلبی به عنوان سوزم محوری کتاب صحبت کردید، حال بفرمایید شخصی شما به عنوان یک پژوهشگر تاریخ شفاهی از انتخاب سوزم تا تدوین کتاب چه مراحل را گذراندید؟**

من نگاهي به تاریخ شفاهی حوزه هنری داشتم و معتقد بودم در انقلاب، حوزه هنری به عنوان یک نهاد شکل گرفته و این نهاد در رشد فرهنگی جامعه ما خیلی مؤثر بوده. این نهاد آدم‌های بزرگی را تربیت کرده است و این آدم‌ها در جامعه نقش آفرینی کردند که از شهید آوینی و مرحوم فردی گرفته تا بسیاری از هنرمندان در عرصه‌های مختلف را شامل می‌شود.

من به دنبال بررسی نقش حوزه هنری در پیش بردن این جریان بودم و یکی از شخصیت‌های محوری این بررسی آقای زم بود و اینکه چگونه یک روحانی به حوزه هنر وارد شد، در این بین توجهم به آقای مطلبی که به این میزان تأثیرگذار و واسطه حضور آقای زم در حوزه هنری بودند، جلب شد.

با حاج آقا مطلبی در این مورد گفت‌وگو کردم.بعد از آن، عده‌ای از دوستان‌ران حاج آقا مطلبی نزد آمدند و گفتند ما دوست داریم تاریخ شفاهی آقای مطلبی را ثبت کنیم و اگر ممکن است شما پای کار بیایید.

به این ترتیب، مشارکتی بین دوستان‌ران حاج آقا مطلبی و حوزه هنری برای انجام این کار صورت گرفت و تا تدبیر حوزه هنری و مشارکت گروه دستداران، کار در دی ۹۵

کار کلید خورد. من در ۱۳ جلسه دو ساعته با حاج آقا مطلبی مصاحبه کردم و ایشان و خانواده‌شان باروی باز پذیری ما بودند و همه چیز خوب پیش رفت، اما زمان طولانی گذشت تا این گفت‌وگوها تبدیل به کتاب شود. آن هم به این دلیل بود که من مدتی از بخش تاریخ شفاهی حوزه هنری رفتم، تا اینکه دفتر تدوین دستاوردهای انقلاب اسلامی راه‌اندازی شد. تحت لوای این دفتر، کتاب «رضای انقلاب» را به‌عنوان یک دستاورد فرهنگی تدوین کردم، احتمالاً رونمایی کتاب نیز به زودی در مسجد ابوذر برگزار می‌شود.

در ضمن ما در هر جلسه، گفت‌وگوی تصویری هم انجام دادیم و احتمالاً مستند این موضوع هم ساخته شود، چرا که ما از ابتدا نگاهمان این بود که دو خروجی یکی در قالب کتاب و دیگری در قالب مستند شخصیت داشته باشیم.

■ **لطفاً در مورد محوری‌ترین مسئله در کتاب و فصول این اثر توضیح دهید.**

من در گفت‌وگویم با حاج آقا، به این مسئله ورود کردم که ایشان برای رسیدن به چنین جایگاهی چه فرآیندی را از کودکی تاکنون طی کرده است. حاج آقا مطلبی در دهه ۳۰نوجوانی بوده که در اصفهان مراحل ابتدایی درس حوزوی را می‌گذرانده. آن زمان، اصفهان علمای بزرگی داشت و در کتاب «رضای انقلاب» از نگاه حاج آقا مطلبی این علما ویژگی و ظرایف رفتاری آنها با ذکر خاطراتی دیده شده است.

فصل اول این کتاب به خانواده و وضعیت اقتصادی، اجتماعی و مذهبی و محل تولد راوی پرداخته است و خاطراتی کوتاه از دوران کودکی و نوجوانی را بازگو می‌کند. در فصل دوم چگونگی ورود به حوزه علمیه اصفهان و روایت جذاب و صریح ایشان از وضعیت حوزه علمیه اصفهان و علمای آن را می‌خوانیم. در فصل سوم به ادامه تحصیل در حوزه علمیه قم، ازدواج، سفرهای تبلیغی و حوادث نهضت امام (ره) پرداخته شده است. ایشان دائماً به منزل امام رفت و آمد داشته و جزئیاتی را مشاهده می‌کرده که بسیار جذاب است و نهایتاً در فصل آخر ورود به تهران و امامت مسجد ابوذر و گوشه‌ای از فعالیت‌ها در سال‌های ۱۳۵۴ تا ۱۳۹۵ روایت شده است.

■ **تا توجه به بازه زمانی ۵۰ساله روایت‌ها، سن آقای مطلبی و حساسیت موضوعی، نگارش این کتاب را به چه صورت انجام دادید؟**

حاج آقای مطلبی در جلسات مصاحبه به طور پراکنده از موارد و اتفاقات در بازه‌های زمانی متفاوت صحبت می‌کردند. من سعی کردم در تدوین و تنظیم مطالب بر اساس روند تاریخی و روایت تاریخی به آن نظم دهم. تکرارها و مباحث غیرمرتبط را حذف کردم، پس و پیش‌های تاریخ را مرتب کردم و از همه مهم‌تر بحث راستی آزمایی مطالب را لحاظ محتوایی و تاریخی بود، چرا که به هر حال ممکن است حافظه در بیان خاطرات، ضریب خطا داشته باشد، بنابراین ما تا جایی که توانستیم بر اساس پژوهش‌هایی که انجام شده است، سعی کردیم سخن‌ها را با مطالب این روایت‌ها و سخنان و روایت‌های دیگران و اسناد و مدارک، تطبیق دهیم.

آن قسمت از روایت که حس می‌کردیم که مطلبی از لحاظ تاریخ وقوع یا موارد دیگر ایراد دارد با خودشان مطابقت می‌کردیم اما وقتی گفتند، حتماً درست‌تر است می‌گویند و حرف ما را تأیید می‌کردند.

ضمناً برای مستند بودن اثر، پاورقی‌ها و ضمیمه‌ی تهیه و تنظیم شده است. با همه این احوال، بخشی از روایاتی که طرح می‌کنند منظرگاه و دیدگاه حاج آقا مطلبی از پدیده است و ما بر آن تحلیل نمی‌آوریم. در این کار

جناب آقای حمید قزوینی نویسنده محترم و همکار عزیزم در حوزه هنری و از بچه‌های قدیمی مسجد ابوذر خیلی کمک کردند.

■ **به عنوان حسن ختام گفت‌وگو، چرا عنوان رضای انقلاب را برای کتاب انتخاب کردید؟**

ما سه‌های متعددی جزو گزینیهامان بود، خود حاج آقا مطلبی از بین این‌ها، رضای انقلاب را انتخاب کردند.

اسم کوچک حاج آقا مطلبی، وضاست و او می‌گوید من همه کارها را برای رضای انقلاب کردم. در حقیقت تعبیر

ایشان این است که رضای انقلاب، رضای خداست،

چرا که انقلاب در مسیر الهی است، پس تمام کارها را

برای رضای خدا انجام داده است.

در حقیقت حاج آقا مطلبی، خیلی به انقلاب و امام علاقه دارد و هویتش را با آن تنظیم کرده است.

البته ما نه تنها در مورد عنوان کتاب، بلکه در تمام موارد دیگر نیز از ایشان نظر سنجی کردیم، از جمله چینی‌ش مطالب و عکس‌ها.

■ **هنرمندی همه فن حریف در عرصه هنرهای تجسمی**

«غلامعلی طاهری» پیشکسوتی هنرمند در عرصه هنرهای تجسمی است. وی دارای نشان‌عالی تجسمی از جشنواره بین‌المللی هنرهای تجسمی فجر و گواهینامه درجه یک هنری -معادل دکترا- در رشته نقاشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است. طاهری از مؤسسان دانشکده هنر دانشگاه شاهد بوده و در عرصه علمی، هنری و فرهنگی کشور در جایگاه‌هایی چون مدرس دانشگاه‌ها و مراکز عالی آموزشی، ریاست موزه هنرهای معاصر تهران، مشاور هنری مرکز هنرهای تجسمی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نقش آفرینی کرده است. وی با برپایی دهها نمایشگاه انفرادی، حضور در نمایشگاه‌های گروهی داخلی و خارجی و شرکت در رقابت‌های هنری موفق به دریافت عناوین جوایز متعددی در جمله هنرمند برگزیده هشت سال دفاع مقدس و هنرمند برگزیده سایت بین‌المللی

■ **در خشش چند دهه فعالیت در هنرهای تجسمی**

«مصطفی گودرزی» از پیشکسوتان هنرهای تجسمی است. وی دارای مدرک دکتری در دوره رشته هنرهای تجسمی از دانشگاه رن و تاریخ هنر از دانشگاه سوربن فرانسه است. گودرزی در جایگاه‌های مختلف علمی، هنری و فرهنگی کشور همواره حضوری فعال داشته که رئیس دانشکده هنرهای تجسمی، مدیر مرکز هنرهای تجسمی حوزه هنری و عضو چندین کمیته و شورای تخصصی هنری از جمله آنهاست.

از دیگر فعالیت‌های گودرزی می‌توان به تألیف و ترجمه چندین جلد کتاب، چاپ دهها مقاله در نشریات هنری داخلی و خارجی، شرکت در رقابت‌های هنری ملی و بین‌المللی و کسب عناوین و جوایز متعدد از جمله دریافت دیپلم افتخار از نمایشگاه بین‌المللی گرافیک مسکو اشاره کرد. کتاب «چند کلمه درباره نقاشی معاصر ایران» نیز از تألیفات این هنرمند است.

|| شنبه ۸ اردیبهشت ۱۴۰۳ | ۱۸شوال ۱۴۴۵|

کتاب

بلو با ناخدا خورشید



■ **سیدعلی مددزیدی**

تاریخ واقعی را نه در لابه‌لای سیاه‌قلم‌های مورخان می‌توانی پیدا کنی و نه در گزارشات رؤسای دفاتر سلاطین ماضی. آن تاریخ خالص و بی‌شیله‌بیله‌ای که بالواقع سرگذشت این موجود کهنسال دو پا و پستی‌وبلندی‌هایش باشد را فقط می‌توان در بایگانی مغزها پیدا کرد، یعنی همان چیزهایی که بقال و قصاب و خیاط‌ها در ادوار مختلف لمس و تلاش به ضبطش نموده‌اند. لب مطلب می‌شود آنکه برای حفظ تاریخ همین اوراق خاک خورده در ذهن مردم، حول اتفاقات، مهم‌ترین منبع در دسترس بشر به‌حساب می‌آید.

اگر این اوراق را ورق بزنی‌م سوار بسر امواج خلیج‌فارس جایی حوالی دهه ۶۰نزدیک بندرلنگه می‌شویم، احتمالاً با مرحوم ناصر تقوایی روبه‌رو می‌شویم که زیر حرارت آفتاب جنوبی روی صندلی کارگردانی‌اش نشست است و صحنه را تماشا می‌کند که ناگهان همه‌های آن دل تدارکات، صحنه و کشتی و ناخدا خورشید و بندر را به هم می‌ریزد و بلو با پسا می‌کند و در آخر هم معلوم می‌شود یکی از بومیان باصفا و ساده دل بندر که دست بر قضا مسئول برق پروژه هم بوده، گمان کرده است جناب کارگردان با استفاده از کشتی در حال قاچاق اسلحه و باقی ماجرا... در آخر هم کارگردان سوء تفاهم را حل می‌کند و همه چیز به خیر و خوشی ختم می‌شود.

ابراهیم بشکردی‌زاده همان مسئول برقی است که غلطه‌ای حتی احتمال خرابی در زندگی مردم را تاب نیاورد. کسی که نه‌فقط چراغ‌ها که تمام شهر بارها نوازش دست خیرش را لمس کرده بودند و روزی نبود که کار و بار زندگی اهالی بندر لنگ باشد و ابراهیم را بخوانند و او نباشند.

«بادگیرها چشم به راهند» چند ورق از همین خاطرات هستند که حول شخصیت چریک پیر، شهید ابراهیم بشکردی‌زاده جمع‌آوری شده است.

از حال چاق‌چاق اسلحه برق بندرلنگه که با مبلعور شدن آتش جنگ و با وجود کهنسالیی هم از حضور در میدان جنگ شانه خالی نکرد و راهی میدان شد و در نهایت طی عملیات کربلای پنج و در خاک شلمچه به شهادت رسید. زحمت نوشتار این کتاب را خانم اعظم پشت مشهدی کشیده و سورره مهر هم فرآیند چاپ و پخش را به عهده گرفته است. کتاب مجموعه‌ای از تک خاطراتی است که خانواده و هم‌زمان و آشناان شهید روایت کرده و نویسنده نیز آنها را در کنار هم چیده است. کتاب روایی ندارد و قطعات خاطرات بدون نخ تسیبج واحدی کنار هم قرار گرفتند. ریاضت‌تقدم و تا آخر زمانی هم ندارند و فقط در حد موزون بودن فصل دسته‌بندی شده‌اند. قلم روان است و ظاهراً بنای نویسنده بر آن بوده که بدون هیچ نوع دستبرد خاصی خاطرات راویان در خطوط منعکس کند. کتاب که‌حجج است و در یک نشست یکی دوساعته می‌شود پرورنده‌اش را بست و محتوا هم بپچیدگی خاصی ندارد، ولی همین سادگی و موجز بودن مخاطب را همراه این-چریک پسر می‌کند و در کوجه پس‌کوجه‌های بندر لنگه را او به تماشا می‌گذارد و در آخر هم بر سر تابوت شهید پرورنده خاطرات را می‌بندد.

The fine art original شده است.

■ **«هریم مقدس» نقطه عطفی برای قدیریان**

عبدالحمید قدیریان»، نامی آشنا در عرصه هنرهای تجسمی و سینمایی ایران، دارای گواهینامه درجه یک هنری در رشته طراحی صحنه و لباس است. قدیریان فعالیت‌های حرفه‌ای خود را در رشته‌های نقاشی از سال ۱۳۶۰ و سینمایی از سال ۱۳۶۵ آغاز کرد. طراحی صحنه و لباس سرپال «هریم مقدس» از جمله کارهای قدیریان است که موفق به دریافت تندیس بلورین و لوح تقدیر از جشنواره بین‌المللی فجر شد. مدیریت‌های هنری ساخت موزه تهران شناسی و اختتامیه بیستمین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر، مدیر اجرایی افتتاحیه اولین المپیک بانوان، تألیف کتاب و چاپ مقاله، برگزاری نمایشگاه‌های انفرادی و گروهی داخلی و خارجی و... از دیگر عملکردهای قدیریان در عرصه فرهنگی -هنری کشور است. در ضمن کتاب از خاک تا آسمان -توصیرسازی با تکنیک کاریکاتور از تألیفات عبدالحمید قدیریان است.



و دارای مدرک دکتری در دوره رشته پژوهش هنر و تاریخ هنر است. او طی سال‌ها فعالیت هنری موفق به کسب جوایز متعدد کشوری و بین‌المللی شده که از نشان‌عالی تجسمی جشنواره بین‌المللی فجر و گواهینامه درجه یک هنری در رشته نقاشی تا جایزه سوم طراحی تمبر پستی به مناسبت چهل و پنجمین سالگرد اعلان جهانی حقوق بشر در زاین در میان‌ها آنها دیده می‌شود. تدریس در دانشکده‌های هنر سطح کشور، عضویت در انجمن

هنر

جشنواره بینال ونیز یک دو سالانه هنری است که تاکنون هر دو سال یک بار میزبان هنرمندانی از سراسر جهان است تا جدیدترین آثارشان را در این نمایشگاه به نمایش بگذارند. آثار ارائه شده در آن، اول فقط در عرصه هنرهای تجسمی بود، اما امروز فیلم، موسیقی، تئاتر و معماری را نیز شامل می‌شود. دو سالانه هنر ونیز در حالی مستقیم دوره خود را از اول اردیبهشت سال جاری شروع می‌کند که حوزه هنری به نمایندگی ایران با آثار پنج نفر از سرآمدان هنرهای تجسمی کشورمان از جمله کاظم چلیپا، مصطفی گودرزی، غلامعلی طاهری، عبدالحمید قدیریان و مرتضی اسدی در آن حضور دارند.

■ ■ ■

■ **افتخارات مرتضی اسدی از ایران تا اقصی نقاط جهان**

«مرتضی اسدی» از پیشکسوتان عرصه هنرهای تجسمی